

مربوط به دوئل و حبس و شهادت دروغ و غیره.

از لحاظ نهضت قضائی، آراء مجاکم، متکی بر قانون و عقاید و فتاوی علمای حقوق و شرایع مذهب عیسی بوده و همین اختلاف منبع موجب پیدایش جرائم متنوع گردیده است.

خصائص مجازات - در عهد قدیم مجازاتها ارادی و دلخواهی بوده باین معنی که قضاة در تعیین آن اختیارات موسمی داشته اند فقط همانطوریکه فوقاً ذکر شد ضمانت اجرائی بعضی از جرائم، از طرف مقررات جزائی متشکلی پیش بینی شده بود. محدودیت اختیارات قاضی تنها در این بود که نمیتوانست شکنجه و مجازاتی را که معمول به نبوده برای مجرمین معین کند ولی میتواندست که کیفیاتی که بنظر او قابل رعایت بوده در نظر گرفته مجازاتها را باهم جمع نماید.

یکی از خصائص دیگر مجازاتها عدم تساوی آنها بوده است زیرا بالنسبه به وضع و شأن مجرم تغییر میکرده است. مثلاً در مورد مجازات اعدام سرنجباء بریده میشد در صورتیکه مجرمین فقیر که باید اعدام شوند بدار آویخته میگردیدند.

آخرین خصیصه مجازاتها شدت آنها بوده است. سابقاً در موقع تسلط افکار مذهبی، در مجاکم کلیسا، مجازات حبس نقش مهمی را در قرون وسطی حائز بوده ولی بعدها از اهمیت آن کاسته شد و مجازات حبس فقط نسبت بزنها و اشخاصی که مرتکب جرم نشده ولی بجهاتی باید موقتاً در بازداشت باشند اجرا میگردیده است.

خصائص سه گانه فوق که شدت مجازاتهای آن عهد را بمنصه ثبوت میگذارد معلول این است که انتقام اجتماعی (۱) و یا تعقیب بنام جامعه (۲) جایگزین انتقام شخصی گردیده است.

دوره انقلاب گبیر فرانسه و امپراطوری آن

عصر جدید و تقنین حقوق جزا - شایسته است تغییرات حاصله از انقلاب فرانسه و امپراطوری آنرا که مقارن با تصویب اصول مجاکمات جزائی ۱۸۰۸ و قانون جزای ۱۸۱۰ است شرح دهیم.

تحول افکار و تغییر اخلاق و عادات در آغاز انقلاب فرانسه - در آغاز

انقلاب فرانسه تغییر مهمی در افکار پیدا شد و این تغییر مستند به عوامل ذیل است :

یکی از علل آن بهبودی و ملایم شدن رسوم و عادات دوران نیابت سلطنت (۱) میباشد. ابراز احساسات رقت آمیز در آن زمان خیلی رایج بود و از خون سردی و بی قیدی که نسبت به مجازاتهای شدید و صعب قرن هفدهم نشان داده شده بود خیلی تعجب میکردند. مراسلات مادام سوینییه این موضوع را خوب مجسم میکند. در آخر همین قرن لا برور (۲) و نیکلا (۳) و فلوری (۴) بر ضد شدت بعضی شکنجه‌ها قیام کردند.

نفوذ افکار آزادی طلبی انگلیس در فرانسه یکی دیگر از موجبات تحول افکار بشمار میآید. آخرین علت، مستند به تمایلات دی درو (۵) و دالامبر (۶) و هللباخ (۷) و هلوسیوس (۸) بود که افکار لا برور و نیکلا و فلوری را بسط و تفصیل دادند. منتسکیو در کتاب روح القوانین نسبت بارزش نسبی قوانین جزائی قلم فرسائی کرده و معتقد بوده است که این قوانین با اقلیم و تشکیلات اجتماعی و مؤسسات سیاسی هر ملتی تناسب حتمی دارد و باین نحو نسبی بودن حقوق جزا را بمنصبه ثبوت گذارده است. بهمین جهت نسبت با اصول عقاید مطلقه که از انتقام اجتماعی الهام میگرفته عکس العمل شدید نشان داده است. منتسکیو به معاصرین خود به نیکوترین وجهی درس ملایمت و اغماض را داده و مجازاتهای رسوا کننده و فضيحت آمیز را که نقش مهمی در سابق داشته انتقاد کرده و مخصوصاً مجازاتهای پیلوری (۹) و کارکان (۱۰) را رد و محکوم به نیستی کرده است.

نفوذ فلاسفه - از بین بانیان و مؤسسين قوانین جزائی جدید که روی فکر و فایده اجتماعی تدوین شده سه شخصیت بزرگ یعنی ژان ژاک روسو و بکاربا (۱۱) و بنتام (۱۲) را که گفتار آنان قابل امعان نظر است باید نام برد.

1- Régence.

3- Nicolas.

5- Diderot.

7- Holbach.

9- Piloni.

11- Beccaria.

2- La Bruyère.

4- Fleury.

6- d'Alembert.

8- Helvetius.

10- Carcan.

12- Bentham.

قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو - ژان ژاک روسو در تهییج و فروختن

آتش حساسیت معاصرین خود تأثیر بسزایی داشته است و در جزواتی که اشاعه داده افکار خود را درباره خوبی فطری و جبلی بشر و اثر فاسد کننده زندگی در اجتماع که در نظر او خیلی نفیس و گرانبها بشمار میآمده پرورانده است. مشارالیه در یکی از فصول مهم کتاب خود معروف به «قرارداد اجتماعی» در باب مجازات اعدام سعی کرده اساس فلسفی و قضائی مجازات را تبیین و تشریح نماید.

این فیلسوف معتقد بود که انسان بنده خوب است و اگر فساد اخلاقی دامنگیر او شود زائیده هیئت اجتماعی است ژان ژاک روسو در کتاب خود فرض کرده که افراد يك قبیله و با يك کشور در بدایت امر حقوق خویش را راجع باحقاق حق، تفویض قوه اجتماعی کرده اند؛ باین معنی که اگر حقوق یکی از افراد جریحه دار شود مطابق این قرارداد، مجنی علیه نمیتواند شخصاً در مقام احقاق حق بر آید بلکه دولت که این حق باو تفویض شده است باید رفع ظلم و جور از او بنماید. از این قرارداد اجتماعی چنین نتیجه گرفته میشود که حق مجازات دولت مجموعه ایست از حقوقی که افراد قبل از قرارداد واجد بوده و با آن میتوانسته اند رفع ظلم و جور از خود بنمایند.

رساله جرائم و مجازاتهای بکاریا - در ۱۷۶۴ بکاریای ایتالیائی عالم در

حقوق جنائی در سن ۲۵ کتابی با اسم «رساله جرائم و مجازاتها» (۱) تدوین کرد که در حقوق جزا تحولی عظیم ایجاد نمود. این کتاب که بمنزله يك رساله هجو آمیز بشمار میآید با عبارات سهل الفهم و لحن معتدل، حقوق جزا و آئین دادرسی کیفری را در معرض انتقاد شدید قرار داده است. از همان آغاز امر انتشار این کتاب در فرانسه شور و هیجانی در افکار عمومی ایجاد کرد و همین موجب رواج و پیشرفت آن گردید و لترودی درو تفسیرات مهیجی از آن کردند ولی ژوس و مویاردو گلان و روسو دولا کمب از آن انتقاد نمودند.

موضوع اساسی این کتاب از لحاظ جنبه منفی آن، انتقاد سیستم مجازات عهد استبداد مخصوصاً شدت مجازاتها میباشد. بنظر بکاریا شدت مجازات اگر توأم با ختمیت

آن نباشد غیر کافی است و بهتر است تبه کار را با يك مجازات معتدل ولی حتمی تهدید و اخافه کرد تا شکنجه‌های بسیار شدید غیر حتمی. صرف امیدواری احتمالی مجرم از معاف شدن از مجازات، موجب میشود که در موقع ارتکاب جرم هر اسی از مجازات‌های شدید بخود راه ندهد. آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد يك دستگاه انتظامی مرتب میباشد. منتسکیو هم قبلاً در فصل دوازدهم کتاب روح القوانین چنین نگاشته: «انسان را نباید بوسیله طرق افراطی براه راست آورد اگر در علت کلیه کاهلی‌ها و انحرافات دقت شود معلوم میگردد که علت آن عدم تنبیه و سیاست است نه خفت و کمی مجازات‌ها. بکاریا از لغو حق عفو پادشاه طرفداری میکرد و معتقد بود حق عفو موجب کاهش حتمیت مجازات میشود. حق عفو پادشاه در دوره قدیم نقش مهمی را حائز و مبتنی بر این فکر بوده که اجرای مطلق عدالت از شاه ناشی میگردد.

بالاخره بکاریا لزوم وجود عنصر قانونی را در کلیه جرائم و مجازات‌ها تشبیه و تأیید کرد و معتقد بود که هیچکس نباید از بابت اموری که قبل از ارتکاب آن از طرف قانون جرم تلقی نشده تعقیب شود و یا متحمل مجازاتی گردد که قبلاً از طرف قانون معین نگردیده باشد. نتیجه حاصله از قبول عنصر قانونی در جرائم و مجازات‌ها حذف اختیارات خودسرانه و دلخواه قضاة میباشد.

اینک باید دید که بنظر بکاریا مجازات بر چه پایه استوار است؛ قبل از بکاریا عقیده داشتند مجازات وقتی الزام میگردد که جرمی ارتکاب شده باشد یعنی بعنارة اخری هدف مجازات معذوف گذشته میباشد نه آینده ولی پس از انتشار رشحات فکری بکاریا معتقد شدند که اعمال مجازات برای جرمی که واقع شده نبوده، بلکه برای این است که از بدی و شرارت در آینده جلوگیری گردد و بعد از وقوع جرم اولی دیگر جرائم جدیدی ارتکاب نشود. این نظر جدید ثابت میکند که منظور غائی مجازات حمایت منافع اجتماعی است نه تأمین نظرات اخلاقی و شدت مجازات باید از روی فزونی خطر مجرم برای جامعه تعیین گردد و مقیاس خطرناکی مجرم قائم بر اهمیت خسارتی است که عمل ارتکابی او احداث کرده است. بنظر بکاریا: «تدابیری که قوانین برای جلوگیری از وقوع جرم اتخاذ مینماید باید بهمان نسبت که جرم ارتکابی باخیر عمومی مغایرت داشته و احتمال تعمیم آن میرود شدید باشد».

بنابر این ملاحظه و فائده اجتماعی، مجازات در نظر بکار یا بر سایر ملاحظات غلبه داشته و ملاحظه عدالت و اخلاق درجه دوم از اهمیت را حائز بوده است. بکار یا نسبت به عدالت مطلقه با نظر تسامح مینگزیسته زیرا معتقد بوده است که رعایت آن تنها در حیطة اقتدار خدای یکتا است و بشر قادر بر تشخیص و تضمین آن نیست و انسان باید فقط از عدالت نسبی که با زمان و مکان قابل تغییر است الهام گیرد. این فرض علمی، بکار یا را وادار کرده مجازات را با درجه فساد اخلاق مجرم مدرج کرده و قائل شود که فاعل و شروع بجرم، باید کمتر از فاعل و جرم انجام یافته، و معاون جرم کمتر از مجرم اصلی مجازات بیند.

«رساله مجازاتها و غرامات» اثر بنتام - کمی پس از انتشار کتاب بکار یا تصنیفات يك نفر انگلیسی بنام بنتام اشاعه یافت بنتام به مفهوم «منفعت» که از طرف بکار یا تجلیل و تکریم شده بود يك صورت ریاضی داد. آثار او متعدد است و تصنیف مهمش بنام «فرض علمی مجازاتها و غرامات» (۱) در سال ۱۸۱۸ انتشار یافت ولی مردان انقلاب کبیر فرانسه بعضی از تصنیفات قبلی او را مطالعه کرده بودند و بهمین جهت در فکر آنان نفوذ قطعی داشته.

بنتام در کتاب خود شرحی نگاشته مبنی بر اینکه مدار اعمال انسان همانا نفع او است ولی از مفهوم نفع مفهوم عالی آن یعنی نفع معنوی مورد بحث او است چنانکه بعقیده بنتام والاترین نفع فرد وجدان پاک او است. از نظر مجازات بنتام چنین نتیجه گرفته که مجازات باید وقتی صورت خارجی پیدا نماید که نفعی در برداشته باشد و راجع بشدت آن معتقد است که مجازات باید بدرجه باشد که قصد کنند جرم بین مضار حاصله از ارتکاب جرم و منافع آن، مضار را بیشتر دیده و از ارتکاب آن منصرف شود.

بین مجازاتها بنتام به حبس خیلی اهمیت میداده است. حبس بنظر او درد و تعب را که مدتی دوام دارد بر مجرم تحمیل میکند و منظره آن برای او خیلی مؤثر و سهمناک است. بنتام عقیده دارد حبس صورت علنی داشته باشد و اشخاص بتوانند

محبوسین را ملاقات نمایند مشارالیه طرح بنای مؤسسه زندان را در کتاب خود شرح داده و آنرا بنام «بانوپتی کوم» (۱) نامیده است. ساختمان آن باید مستدیر باشد و در وسط آن محل سکنی مناسبی برای رئیس محبس اختصاص داده شود بطوریکه بتواند تمام حجرات را تحت نظارات خود داشته باشد.

در همین اوان یک بشر دوست انگلیسی بنام هووار (۲) توجه عموم را به وضع اسفناک محابس جلب کرده اصلاح آنرا خواستار گردید.

تأثیر ادراکات جدید در نهضت تقنینی - در اواخر قرن هیجدهم افکار و نظرات فوق الذکر در بین طبقات منور که آئینه افکار عمومی بود منتشر گردید. در اواخر سلطنت لوئی شانزدهم اصلاحاتی در نظر گرفته شد؛ محابس قدیمی پاریس را منهدم نمودند؛ مردم در تقاضاهای خود پیوسته اصلاح حقوق جزا را تذکر داده و خواستار شدند که مجازاتها را بیش از پیش خفیف و ملایم نمایند و تساوی بیشتری در اعمال مجازات قائل شوند.

اصولی که اصلاحات حقوق جزا بر آن متکی است در ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر بطریق ذیل تدوین شده بود و قانون باید فقط مجازاتهای بی نهایت ضروری را وضع کند و هیچکس نباید مجازات شود مگر بموجب قانونیکه قبل از ارتکاب جرم منتشر شده است و اعمال آنها باید طبق قانون صورت گیرد. این ماده در واقع تأیید نظر بکار یا مبنی بر لزوم قانونی بودن جرائم و مجازات که از فرض علمی قرارداد اجتماعی روسو منتج گشته میباشد. بنابراین ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر مختاریت مطلق و خود سرنی عهد استبداد را بزوال و نیستی محکوم نمود.

این تمایلات در قانون جزای انقلابی ۱۷۹۱ منعکس شد و خصوصیت آن عکس العمل صریحی است که نسبت به شدت مجازاتهای عهد قدیم نشان داد. نه فقط عقاب و شکنجه سابق را حذف کردند بلکه پیشنهاد شد مجازات اعدام نیز لغو شود و در این موضوع در مجلس مؤسسان مناقشات حادی رخ داد و از جمله طرفداران لغو

مجازات اعدام ریس پی بر (۱) بود ولی بالنتیجه مجازات اعدام ابقاء گردید و تنها مجازاتهای مؤبد از بین رفت. بعد از مجازات اعدام شدیدترین مجازات حبس با غل و زنجیر (۲) بود که جایگزین گالر (۳) گردید. مجازات حبس با غل و زنجیر فقط در بنادر و معادن و مردابها اجرا میشد و حداکثر مدت آن ۲۴ سال بود. راجع بوضع اسف آور محابس میرابو گزارشی تسلیم مجلس مؤسسان کرد بعلاوه نسبت بدلخواه بودن مجازاتها عکس العمل نشان داده شد و بجای مجازاتهای ارادی و دلخواه مجازاتهای ثابت برقرار گردید و آن عبارت بود از برقراری يك تعرفه برای هر مجازاتی مثلا مجازات ثابت جرم جعل چهار سال حبس با غل و زنجیر بود. مجازات واحد از افکار بکار یا و ژان ژاک روسو سرچشمه میگرفت و در واقع مجازات ثابت فقره جزائی قرارداد اجتماعی بشمار میرفت.

حق عفو پادشاه نیز لغو گردید زیرا حق مزبور نمونه بارزی از مختاریت مطلق قوه مجریه محسوب میشد. متعاقب الغاء عفو مجازاتهای مؤبد هم حذف گردید زیرا این قبیل مجازاتها را اگر نتوان بهیچ وسیله بدوران آن خاتمه داد برخلاف انسانیت و مروت میباشد.

عدم موفقیت حقوق جزای انقلابی و علل آن - سیستم جزائی ۱۷۹۱ نتایج مستحسنی بیار نیآورد از یک طرف با قبول تساوی بین عاملین مختلفه یک جرم و عدم امکان تطبیق مجازات با مسئولیت اشخاص، سیستم مجازاتهای ثابت غیر عادلانه قلم میرفت زیرا از بین اشخاصی که مرتکب جرم واحد شده اند ممکن است اختلافاتی از لحاظ فساد اخلاق فطری و با خطرناکی آنها وجود داشته باشد و سیستم فوق مانع رعایت این قبیل ملاحظات میگردد. از طرف دیگر سیستم ۱۷۹۱ بی اثر بود زیرا محابس لازم که اجرای مجازاتها را میسر کند وجود نداشت مجازات حبس با غل و زنجیر را هم نتوانستند مرتب اجرا نمایند بالاخره خفت و کمی مجازاتها اساسا تنبیه و سیاست را سست و بیهوده کرد و بالنتیجه اغتشاشات رو بفرزونی گذارد در تمام دوران انقلاب گروه دزدان مردم را در جاده ها و بیلاقات تاراج میکردند.

ظهور ناپلیون و عکس العمل او - سیاست جنائی ناپلیون بیشتر قائم بر ارباب

1- Bobespierre .

2- Fers .

3- Galères .

واخافه برای تأمین امنیت اجتماعی بود و این همان چیزی است که بنیاد پیشنهاد کرده بود. مظهر سیاست جنائی جدید آئین دادرسی کیفری ۱۸۰۸ و قانون جزای ۱۸۱۰ است که در يك تاریخ به موقع اجرا گذارده شد. تارژه (۱) روح قانون جزای ۱۸۱۰ را چنین تشریح کرده: «خطرناکی جرائم از روی مخاطراتی که در بردارند اندازه گیری شده است نه از روی فساد ذاتی آن و مقیاس تأثیر مجازات بیشتر روی هر اسی است که در مجرم ایجاد میکند نه شدت آن».

در قانون جزای ۱۸۱۰ نظر بر کار یادآور بر اینکه مجازات باید متوجه آینده باشد نه گذشته، تأمین گردید بدین ترتیب منافع اجتماعی در درجه اول اهمیت و رعایت عدالت در درجه دوم قرار داده شد.

یکی از خصائص قانون جزای ۱۸۱۰ شدت مجازاتهای آن میباشد. مجازات اعدام علاوه بر اینکه ابقاء شد در موارد اعمال آن مبالغه بعمل آمد مجازات حریق زننده و ضارب سکه قلب مانند قاتل، اعدام معین شد شخصی که مرتکب قتل پدر خود میشد باید قبل از اعدام مچ دست او قطع شود. مجازاتهای مؤبد و حق عفو پادشاه مجدداً برقرار گردید. از لحاظ اندازه مجازات يك رویه میانه بین مختاریت مطلق قضاة در عهد قدیم و سیستم مجازاتهای ثابت برقرار گردید. با این کیفیت قضاة آزادی کامل سابق را در تعیین مجازاتها از دست دادند و آزادی آنها بین حداقل و اکثر مجازات که از طرف مقنن پیش بینی شده بود محدود گردید ولی از طریق رعایت کیفیات مخفیه که موارد آن محدود بود آزادی آنها تا حدی توسعه یافت.

اگر بخواهیم از لحاظ علمی و تقنینی قانون جزای ۱۸۱۰ را میزان سنجش بگذاریم باید مشکلات تدوین کنندگان را در نظر بگیریم زیرا از حیث اصول حقوق عمومی و حقوق جزا يك اختلاف عمیقی بین ادراکات و تصویبات ذهنی عهد استبداد و جامعه جدید وجود داشت. تدوین کنندگان قانون جزای ۱۸۱۰ با انتخاب يك رویه معتدل بین شدت مجازاتهای عهد قدیم و خفت و کمی مبالغه آمیز مجازاتهای قانون جزای ۱۷۹۱ عاقلانه رفتار کردند و همین خصیصه اعتدال قانون جزای ۱۸۱۰ موجب موفقیت و پیشرفت آن در ممالک خارجه گردید و غالب کشورها از اصول آن تبعیت

کردند و بهمین ملاحظه پس از افول تسلط ناپلیون هم همان اصول ابقاء گردید . با تمام این احوال باید متوجه بود که از همان آغاز ۱۸۱۰ که اخلاق عمومی رو بظرافت و لطافت میرفت ، در اثر عکس العملی که نسبت به مختاریت مطلق و قدرت شگرف ناپلیون نشان داده شد يك نهضت فکری جدیدی پیدا گردید که در تحویل و توسعه حقوق مؤثر افتاد . در اثر همین تحول ، ظاهر و باطن حقوق جزای ۱۸۱۰ در معرض تغییراتی قرار گرفت که اینک وارد بحث آن میشویم .

نهضت علمی از آغاز امپراطوری اول - در اواخر سده هیجدهم و ابتدای قرن نوزدهم در مقابل سیاست مادی قانون جزای ۱۸۱۰ يك فلسفه روحی از طرف کانت و ژوزف دومستر آغاز گردید این فلسفه جدید مبتنی بر اصول عدالت مطلقه بود و طبق آن نباید پایه و اساس مجازات را بر ملاحظات انتفاعی قرارداد . اصول مزبور بعدها دستخوش تحول قرار گرفت و با فعالیت گیزو (۱) و دو برگلی (۲) و روسی (۳) منتهی به فرض علمی نشو کلاسیک گردید .

اگرچه آثار کانت مقدم بر قانون جزای ۱۸۱۰ بود و تصنیفات مهمه او از قبیل «نقادی عقل مطلق» (۴) و «نقادی عقل عملی» (۵) در سالهای ۱۷۸۱ و ۱۷۸۸ انتشار یافت ولی مدتی بطول انجامید تا افکار کانت در فرانسه اشاعه یافت بنظر کانت که يك فیلسوف معتقد بروح و به اصالت عقل و انفرادی بشمار میآید تنها موضوع مجازات اعاده نظم اخلاقی است که در اثر ارتکاب جرم مختل شده است . در موقعیکه بدی و شر بوقوع میپیوندد اعمال مجازات و تحمیل رنج بر مجرم برای جبران بدی و ارضاء اخلاق ضرورت دارد . وظیفه دولت جبران بدی و شری است که اتفاق افتاده و دولتی که باین نحو اقدام میکند یکی از وظایف عالییه خود یعنی «امر مطلق» (۶) را انجام داده است .

کانت فکر فلسفی خود را در ضمن تمثیلی با اسم «تمثیل» جزیره مترو که مجسم کرده است . کانت میگوید فرض کنید جامعه که در جزیره ای مستقر است آنرا ترك کندا گردد

1- Guizot .

2- de Brogli .

3- Rossi .

4- Critique de la raison pure .

5- Critique de la raison pratique.

6- Impératif catégorique .

این جامعه شخصی به اعدام محکوم شده باشد باید قبل از ترك شدن جزیره او را اعدام کرد. راست است که اجرای مجازات بیفایده است و جمعیتی که آن جزیره را ترك میکنند از گزند و آسیب احتمالی او در آینده ایمن میباشد ولی يك قانون برترو والا وجود دارد که این اعدام را ایجاب میکند. سابقاً دیدیم که تارزه به عکس این نظر عقیده مند بوده و اجرای مجازاتی را که متضمن فایده نباشد يك قسم و حشیگری میدانسته است.

برای اینکه اصول عقاید کانت مبتنی بر اساس باشد باید از يك طرف ثابت کرد که جامعه مأموریت دارد نظم اخلاقی را در روی زمین نشر دهد و از طرف دیگر مسلم باشد که قاضی قادر است از عهده این وظیفه بر آید یعنی بعبارۀ اخری در عمق وجدان اشخاص نفوذ پیدا کند و اثبات این دو موضوع امری است دشوار تنها قضاوتی که میتوان کرد این است که اجتماع برای حیات بشر لازم است و جامعه حق دارد از خود دفاع نماید ولی نمیتوان اثبات کرد که جامعه مکلف باعاده نظم اخلاقی در روی زمین میباشد. یکی دیگر از زعمای اصول عدالت مطلقه ژرف دومستر (۱) میباشد افکار او از بعضی جهات با افکار کانت شباهت دارد و اختلاف آنان از این حیث است که در نزد ژرف دومستر نظرات الهی و مذهبی بر نظرات فلسفی غلبه دارد و بعبارۀ اخری کانت يك فیلسوف معتقد بروح و باصالت عقل و انفرادی محسوب شده در صورتیکه ژرف دومستر مستبد بر آید و جازم و تعبدی بوده است. افکار ژرف دومستر در تصنیفاتی چند، مخصوصاً در رساله راجع باصلی که توانین اساسی سیاست را بوجود میآورد (۲) و شبهای سن پترزبورگ، (۳) و «پاپ» (۴) بیان گردیده است. اساس فلسفه ژرف دومستر مبتنی بر تصدیق بوجود باری تعالی است. او معتقد است که در اثر يك نیابت ربانی پادشاهان قدرت را در دست میگیرند و عدالت جزائی را برقرار میسازند زیرا آنان آلت یزدان در روی زمین هستند. بوسوئه (۵) همین ادراکات و تصورات را در کتاب خود

1 - Joseph de Maistre.

2- Essai sur le principe générateur des constitutions politiques.

3 - Soirées de Saint - pétersbourg .

4- Le pape .

5 - Bossuet .

باسم «سیاستی که از کتب انجیل و تورات استخراج شده» (۱) به تفصیل بیان کرده است. ژزف دومستر معتقد است که این فکر يك قسم خوش بینی در انسان تولید میکند زیرا پادشاهی که مأمور اجرای عدالت است چون آلت دست خدا است بوجه احسن دادگستری میکند. البته ممکن است بعضی بیعدالتهای و نارواییها در اثر قوای طبیعی رخ دهد و با اینکه اشتباهاتی در قضاوت بوقوع پیوندد در اینصورت اگر اشخاص مظلومی دستخوش این اشتباهات قرار گیرند بعید نیست که این اشخاص کفاره گناهای را متحمل میشوند که سابقاً مرتکب شده اند. بعلاوه ژزف دومستر معتقد به قابلیت انعکاس فضائل و خطیئات میباشد باین معنی که آثار حاصله از اشتباهات اسلاف دامنگیر اعیان میشود و چون در نظر او مجازات برای ارضاء اخلاق است میتوان آنرا هم در مورد تخلفات خلاف اخلاق اجتماعی و هم تخلفات خلاف اخلاق شخصی اعمال نمود. اصول عقاید کانت و ژزف دومستر اگر چه از نشاء و مبدأ متفاوت است ولی از حیث اینکه نظر وفائده را که در قانون جزای ناپلیون مورد توجه قرار گرفته بود نفی کرده شبیه یکدیگرند.

مکتب نئو کلاسیک و نمایندگان اصلی آن - اصول عقاید نئو کلاسیک که در زمان رستوراسیون (۱) و استبداد ژویه اشاعه گردید موجب شد بین اصول عقاید انتفاعی و اصول عقاید عدالت مطلقه حد وسط را انتخاب کنند و تا اندازه بین آن دو اصول را وفق دهند. زعمای مکتب نئو کلاسیک عبارتند از گیزو، صاحب رساله مجازات اعدام در مسائل سیاسی، (۳) که در سالهای اخیر رستوراسیون منتشر شد و در واقع بمنزله بیانیه مکتب جدید میباشد و ژوفری (۴) مصنف رساله حقوق طبیعی، (۵) و روسی (۶) صاحب رساله حقوق جزاء، (۷) و بالاخره شارلوکا (۸) صاحب تصانیفی در علوم مربوط بزندان.

1- Politique tirée de l' Ecriture Sainte .

2- Restauration .

3- Traité de la peine de mort en Matière politique

4 Jouffroy .

5- Traité de droit naturel .

6- Rossi .

7- Traité de droit pénal .

8- Charles Lucas .

مميزات اساسی این مکتب حاوی سه خصوصیت میباشد .
 خصوصیت اول این مکتب این است که سعی کرده بین منافع اجتماعی و عدالت
 مطلقه که دو مکتب علیحده تلقی میشوند وفق دهد . بنظر این مکتب مجازات باید
 دو جنبه‌یین باشد باین معنی که هم اجرای عدالت و هم دفاع جامعه را تأمین نماید . هر يك
 از زعمای این مکتب بمقتضای سرشت خداداد خود یکی از این دو منظور بیشتر اهمیت
 داده است مثلاً موضوع مهم مجازات در نظر روسی تضمین عدالت و در نظر لوکا دفاع
 منافع اجتماعی است .

نتیجه عملی که از نظر مکتب نئو کلاسیک اخذ میگردد این است که اندازه
 مجازات تابع دو حد اکثر یعنی فورمول ذیل میشود : « نه بیش از آنچه که عدالت
 اقتضا میکند و نه بیش از آن اندازه که فایده دارد » این فورمول را میتوان شعار
 مکتب نئو کلاسیک قلمداد کرد . قسمت اول فورمول « نه بیش از آنچه که عدالت اقتضا
 میکند » بمنزله رد و محکومیت شکنجه‌ها و عقوبات متداول در حقوق قدیم و مجازاتهای
 سخت و شدید است که بنتام بخاطر ترهیب عموم طرفدار آن بوده و قسمت دوم فورمول
 « نه بیش از آن اندازه که فایده دارد » بمثابه تخطئه جرائمی است که ژرف دو مستر برای
 حمایت مذهب از آن طرفداری میکرده است .

خصوصیت دوم مکتب نئو کلاسیک که موجب افتخار آن شده این است که یکی
 از وظائف مجازات را احیاء اخلاقی و تهذیب مجرم دانسته و باین منظور یکدسته از
 طرفداران این مکتب مکتبی باسم « مکتب اصلاح محابس » (۱) تأسیس کرده و تمام
 هم خود را معطوف این داشته که اصلاح مؤسسات زندانی صورت تحقق بخود گیرد
 اشخاصی که در این منظور بذل مساعی کرده و تصنیفاتی از خود بیادگار گذاشته‌اند
 شارل لوکاو بومن (۲) و تو کوویل (۳) و برانژه (۴) و دمتز (۵) و بونویل تو مارسانژی (۶)
 میباشد .

1-Ecole pénitenciaire .

3- Tocqueville .

5- Demetz .

2- Beaumont .

4- Béranger .

9-Bouneville demarsangy .

آخرین خصوصیت مکتب نئو کلاسیک آزادی طلبی آن در امور سیاسی است در انزالقاء فکری گیزو در زمان استبداد ژویه حذف مجازات اعدام در جرائم سیاسی و وضع یک مقیاس جدید مجازات برای آن مورد توجه قرار گرفت .

نهضت تقنینی در زمان استبداد ژویه قوانین جزائی از افکار مکتب نئو کلاسیک الهام گرفت و جرائم سیاسی از جرائم عمومی کاملاً متمایز گردید. سابقاً مجرم سیاسی بچشم مخوفترین تبه کار نگریسته میشد و محروم از قاعده استرداد بود ولی در ۱۷۸۹ الی ۱۸۴۸ که دوران انقلاب متوالی بود و حکومتها به ناپایداری خود واقف شدند مجرم سیاسی را بچشم دیگر نظر افکنده و آرامانند شخص شکست خورده ای در یک مبارزه افتخار آمیز تلقی کردند و بهمین جهت قانون ۲۸ آوریل ۱۸۳۱ مقیاس مجازات جدیدی برای جرائم سیاسی معین کرد. رژیم مجازاتهای سیاسی ملایم تر از رژیم جرائم عمومی شد. محکوم سیاسی از کار معاف گردید و مجازات اعدام در مورد جرائم سیاسی لغو شد .

نهضتی را که مکتب نئو کلاسیک ایجاد کرد موجب تعدیل و تخفیف مجازاتهای جرائم عمومی نیز گردید زیرا قانون جزای ۱۸۱۰ مجازاتهای خیلی شدید وضع کرده بود موارد مجازات اعدام نیز زیاد شده بود .

تجربه نشان داده است که وقتی مجازاتهای شدید متناسب و ملائم با افکار و احساسات عمومی نباشد سبب سستی سیاست و تنبیه در کشور میگردد زیرا اگر قضاة و هیئت منصفه مجبور شوند مجازات شدید برای مجرم تعیین کنند بیشتر اوقات اوراق تبرئه مینمایند تا حتی المقدور از تحمیل مجازات شدید بر مجرم هائی جویند در صورتیکه اگر مجازاتها معتدل باشد حتمیت اجراء آن همانطوریکه بکار یا متذکر شده مسلم است . بهمین منظور در ۱۸۱۴ مجازات ضبط عمومی اموال که آثار آن بیشتر متوجه فامیل مجرم میگردد لغو شد . در ۱۸۳۲ در بعضی موارد مجازات اعدام به مجازاتهای خفیف تر تبدیل گردید . قانون ۱۸۵۴ حرمان از حقوق مدنی را از بین برد و بالاخره در ۱۸۳۸ بعضی از جنایات تغییر ماهیت داده به جنحه تبدیل گردید .

کیفیات مخففه هم توسعه یافت . اثر کیفیات مخففه این است که قاضی مجبور میشود

مجازات را از حداقل آن تنزیل دهد. قانون جزای ۱۸۱۰ کیفیات مخففه را قبول کرد ولی آنرا به جنحه و خسارت کمتر از ۲۵ فرانک اختصاص داد در ۱۸۲۴ آنرا به بعضی از جنایات سرایت دادند و بالاخره قانون ۱۸۳۲ برای کیفیات مخففه يك معنی و ارزش عمومی قائل شد و این قانون از لحاظ تحول رژیم جزائی نتیجه مهمی در برداشت زیرا پس از تعمیم آن قاضی در موقع اعطاء آن دیگر احتیاجی بذکر علت و تطبیق با موارد خاصی نداشت و همیشه هر وقت رسوم و عادات اقتضا میکرد محکومین را از آن بهره‌مند میساخت. بوسیله کیفیات مخففه مجاکم توانستند طبق نظر مکتب‌نشو کلاسیک شدت مجازات را با مسئولیت اخلاقی مجرم وفق دهند. تطبیق مجازات با مسئولیت اخلاقی مجرم در قرون وسطی در اثر نفوذ مذهب مسیح مطمح نظر بود ولی بواسطه تسلط قدرت مادی زمان استبداد روبه نقصان گذارد و اصل انتقام اجتماعی جای گزین آن گردید بهمین جهت اشخاص مختل المشاعر بمثابه اشخاص مسئول در معرض رفتار ناهنجار و ناستوده قرار میگرفتند.

تطبیق مجازات به نسبت مسئولیت اخلاقی مجرم در قرن نوزدهم که طب قانونی توسعه یافت جامه عمل پوشید. اولین ترقی طب قانونی مرهون زحمات پی‌نل (۱) و اسکیرل (۲) میباشد. در ماده ۶۶ قانون جزا اصل عدم مسئولیت دیوانگان تصریح شد. با ترقیات جدید طب قانونی متوجه شدند که بین اشخاص سالم و اشخاص مختل المشاعر دسته وسطی وجود دارد. این دسته عبارت از اشخاصی هستند که هوش و اراده آنها بدون اینکه بکلی معدوم شده باشد در اثر ابتلاء بامراض صرع و اختناق رحم و ضعف اعصاب ضعیف شده است بنابراین در مسئولیت جزائی اشخاص قائل به يك رشته درجات شدند و سعی کردند مجازات‌ها را با درجه مسئولیت واقعی تطبیق کنند و مجاکم به كمك کیفیات مخففه در اجراء این اصل توفیق حاصل نمودند.

در زمان رستوراسیون و استبداد ژویه برای بهبود رژیم محاسب از افکار مکتب اصلاح محاسب استفاد کردند. میرا بودر ضمن گزارش مهمی به مجلس مؤسسان صریحا تمنیات خود را در این باب عرضه داشت ولی در دوران انقلاب کبیر این تمنیات صورت عمل بخود نگرفت.

دوره معاصر

تأثیر اصول علناید مکتب نئو کلاسیک - اصول عقاید مکتب نئو کلاسیک و اوله ای شگرف ایجاد کرد. تأثیر آن انحصار بقوانین فرانسه نداشت بلکه حقوق موضوعه سایر ممالک هم که از حقوق جزای ناپلیون اقتباس شده بود تحت نفوذ آن واقع گردید. قوانین جزای سده نوزدهم که دستخوش نفوذ مکتب نئو کلاسیک قرار گرفت عبارت است از: قوانین جزای نواحی سوئیس که بزبان فرانسه تکلم مینمایند - قوانین جزای ۱۸۴۸ و ۱۸۷۰ اسپانی - قانون جزای ۱۸۵۲ اتریش - قانون جزای ۱۸۵۱ پروس - قانون ۱۸۷۸ هنگری - قانون جزای ۱۸۸۱ هلند - قانون جزای ۱۸۸۴ پرتغال - قانون جزای ۱۸۹۶ بلغار و بالاخره قوانین جزای امریکا مرکزی و جنوبی. انتقادات وارده به مکتب نئو کلاسیک - از آغاز ۱۸۸۰ مکتب نئو کلاسیک در معرض حملات متعددی قرار گرفت از سه جهت این مکتب مورد انتقاد واقع شد: از لحاظ نتایج حاصله و از لحاظ اصول و بالاخره از لحاظ وسایل اقدام.

از لحاظ نتایج حاصله جرائم رو بفزونی گذارد زیرا از اواسط سده نوزدهم یعنی از موقعیکه افکار و تراوشات فکری این مکتب رایج شد و مورد قبول واقع گردید جرائم ارتکابی به افزایش یافت برای اثبات این امر مخالفین مکتب نئو کلاسیک به آمار متمسک شدند. از بدایت سال ۱۸۲۶ آمار سالیانه ای وجود داشت مفروضات این آمار از ۱۸۲۶ تا ۱۸۸۰ مورد مذاقه گابریل تارد (۱) که از قضاة عالیقدر و یکی از علمای ارجمند علم اجتماع بشمار میآمد قرار گرفت یکی دیگر از علمای معروف علم الاجتماع بنام آنری کوفری (۲) آمار بالا را مورد مطالعه دقیق قرار داد از این آمار بخوبی مشهود میگردد که از ۱۸۲۶ تا ۱۸۸۰ جرائم بطور عموم بمیزان سه برابر افزون گردیده بود راست است که از ۱۸۲۶ الی ۱۸۸۰ جمعیت هم افزایش یافته بود ولی این فزونی از يك دوازدهم تجاوز نکرده بود بعلاوه باید در نظر داشت که در اثر توسعه روابط صنعتی و تجاری و اجتماعی جرائم تو ظهوری از طرف قوانین جزای جدید وضع گردید

با تمام این تفصیل تعداد افزایش جرائم از ۱۸۲۶ تا ۱۸۸۰ تأثر آور و رقت‌بار بوده است .

افزایش جرائم مختلفه به يك نسبت نبوده و بطور کلی جنحه نسبت به جنایت بیشتر بوده است و جرائم زیر به تناسبی که ذیلاً شرح داده میشود افزایش یافته بود :

جرح و ضرب دو برابر - اهانت به مستخدمین پنج برابر - خیانت در امانت ۶ برابر
اعمال منافی عفت هفت برابر .

بعلاوه تعداد تکرار جرم بافرونی بیمناسبتی و با افزایش گذارده بود . از ۱۸۲۶ الی ۱۸۳۰ بین صد مجرم بطور متوسط هشت نفر و از ۱۸۷۰ الی ۱۸۸۰ چهل و شش نفر مرتکب تکرار جرم شده بودند و این افزایش تکرار جرم بخوبی ثابت میکند که مجازاتهای معمول به بدون اثر بوده اند .

از لحاظ اصول نیز مکتب نئو کلاسیک مورد ملامت واقع شد مخالفین آن ایراد میکردند که این مکتب عمل ارتكابی را صرفاً از نظر بیرونی و مجرم را بحال تجرید و خالی از خصوصیات شخصی او مورد مطالعه قرار میدهد . تمام بسط و توسعه این مکتب قائم بر این است که فاعل جرم در اعمال ارتكابی مختار و بالنتیجه دارای مسئولیت اخلاقی است در صورتیکه مختاریت انسان اصل مسلم نیست و در خور هیچگونه استدلال علمی نمیباشد .

بالاخره از لحاظ وسائل اقدام هم مکتب نئو کلاسیک در معرض انتقاد قرار گرفت زیرا یکی از اصول این مکتب این بود که مجازات به تناسب درجه مسئولیت اخلاقی معین شود و این امر موجب شد که بواسطه زیاده روی در قبول کیفیات مخففه سلب اثر از مجازات گردد حبس‌هایی که معین میشد بقدری کوتاه بود که خاصیت ارعاب‌رآز دست داده و در اصلاح اخلاقی مجرم بکلی بیفایده بود .

با این انتقادات مکتب تحقیقی ایتالیائی (۱) که از او ان ۱۸۸۰ در حال توسعه بود عکس‌العمل شدیدی ابراز نمود .

مکتب تحقیقی و وجوب ترتیب معلول بر علت (۲) عقاید این مکتب در موضوعات

1 - L'ecole positiviste italienne .

2 - Déterminisme .

جزائی و امور مربوط به زندان به فلسفه اگوست کنت (۱) بستگی دارد. این مکتب مختاریت انسان را رد می‌نماید و طرفدار وجوب ترتب معلول بر علت می‌باشد بنابراین مسئولیت اخلاقی را که مبنای مجازات محسوب می‌شود نفی می‌کند و تنها چیزی را که مداخله می‌دهد عکس‌العمل اجتماعی است.

همانطور که اعضای موجودات زنده در مقابل میکرب از خود دفاع می‌کنند جامعه هم نسبت به مجرم عکس‌العمل نشان می‌دهد تبه کار طبق اصطلاح لاکاسانی (۲) استاد طب قانونی يك «میکرب اجتماعی» محسوب می‌شود.

طبق اصول مکتب تحقیقی عکس‌العمل اجتماعی نسبت به جرم باید از مطالعات علمی وقایع و مخصوصاً مطالعه در اطراف تبه کار الهام گیرد تا بتواند وسائل مبارزه با جرم را کشف کند مکتب تحقیقی اصطلاح «مجازات» را رد کرده و بجای آن «حتمیت اجرا» را استعمال کرده است زیرا از اصطلاح «مجازات» مفهوم انتقام و کیفر متبאר بدهن می‌گردد.

یکی از مؤسسين مکتب تحقیقی لمبروز و می‌باشد که در ۱۸۷۶ شاهکار معروف خود را با-م «انسان تبه کار» (۳) برشته تحریر در آورده لمبروز و برای کشف علل جرم بساختمان فیزیکی و تشریحی و وظائف الاعضائی مجرم و اخلاق و صفات معرفت النفسی او توجه داشته و برای توفیق در این کار بیک رشته ملاحظات در مجامع و مریضخانه‌ها و قراولخانه‌ها مبادرت کرده است و در اثر این ملاحظات توانسته نمونه جانی بالفطره را توصیف و تبیین کند. لمبروز و پس از تشکیل کنگره‌های عدیده و بیادگار گذاشتن آثار زیادی از خود در سال ۱۹۰۸ بدرود حیات گفت.

آنریکوفری استاد حقوق جزا در دانشگاه رم نیز یکی از مؤسسين مکتب تحقیقی می‌باشد. این شخص کتابی با اسم «علم الاجتماع جنائی» (۴) تنظیم کرده که می‌توان آنرا برای این مکتب يك بیانیه آمیخته با صبغه علم الاجتماعی محسوب نمود اختلاف آنریکوفری با لمبروز و در این است که عالم اخیر علل جرم را در شخص تبه کار جو یا بوده در صورتیکه

1 - Auguste comte.

2 - Lacassagne.

3 - L'Homme criminel.

4 - Sociologie criminelle.

آریکوفری محیط اجتماعی را مبداء مطالعات خود قرار داده است .

راجع به محیط اجتماعی آریکوفری قانونی باسم «قانون اشباع جنائی» (۱) طرح ریزی کرده و در تشریح آن چنین نگاشته است همانطوریکه يك گیلایس آب مقدار محدودی از ماده معینی را میتواند حل کند همانطور هم يك محیط اجتماعی يك میزان محدودی میتواند تحمل ارتکاب جرائم را بنماید بنا براین ارتکاب جرائم در جامعه بيك تناسب ثابتی با محیط و کیفیات فیزیکی و طبیعی و اخلاقی وابستگی دارد. تمام این کیفیات در کمیت و کیفیت جرائم تأثیر دارند و برای تقلیل «ظرفیت جزائی» محیط باید آنرا اصلاح نمود و کاری کرد که درجه «اشباع جنائی» آن هرچه زودتر بعد نهائی خود برسد مثلاً غالباً مشاهده شده است که در يك کوچه تاریک بیش از يك کوچه روشن جرم واقع میشود بنابراین کافی است کوچه تاریک را هم روشن نمایند، آریکوفری معتقد است که این قبیل اقدامات و وسائل دفع وقوع جرم بمنزله «قائم مقامات جزائی» (۲) بوده و با صرفه تر و عاقلانه تر از ساختن محابس میباشد .

آریکوفری پس از يك دوره زندگانی در خشان در شغل و کالت دادگستری و اشتغالات سیاسی و علمی در اوائل ۱۹۲۹ بدرود حیات گفت .

بالاخره یکی دیگر از مؤسسين مکتب تحقیقی رافائل گاروفالو (۳) صاحب علوم جنائی، (۴) میباشد بین رافائل گاروفالو و آریکوفری اختلاف نظر وجود داشت و علت آنهم ناشی از شغل متفاوت آن دو بود زیرا آریکوفری بشغل استادی و رافائل گاروفالو بشغل قضاوت اشتغال داشته اند بر خلاف آریکوفری رافائل گاروفالو که بوسائل مجازاتی بیشتر اهمیت میداد طرفدار مجازات اعدام بود. رافائل گاروفالو جرائم را بجرایم طبیعی و جرائم مصنوعی تقسیم کرده است، جرائم طبیعی عبارت از جرائمی هستند که کلیه قوایین جزائی کشورهای مختلفه آنرا پیش بینی کرده و برای آن مجازات تعیین نموده اند. این قبیل جرائم مباحث با احساسات اصلی و عمده عدالت و نیکو کاری میباشد. برعکس جرائم

1 - La saturation criminelle.

2 - Substituts pénaux.

3 - Raffaele Garofalo.

4 - Criminologie.

مصنوعی جرائمی هستند که بالنسبه به ممالک مختلفه متفاوت است و باتشکيلات هر يك از آنها بستگی دارد از این قبیل است جرم سیاسی و جرم زنا .

طبقه بندی مجرمین - علم جزا در طبقه بندی مجرمین مرهون مکتب تحقیقی میباشد . این طبقه بندی از لحاظ سیاست جنائی یعنی رویه که باید نسبت بآنها اتخاذ شود اهمیت فراوانی دارد . مکتب تحقیقی مجرمین را به پنج دسته از قرار ذیل تقسیم نموده است :

۱ - جانی بالفطره - تبه کاران ایندسته از آغاز تولد از جهت ساختمان مزاجی که دارند برای ارتکاب جرم مستعد و مهیا میباشد . خصوصیات مربوط به علم تشریح و علم وظائف الاعضاء و روان شناسی آنان را از یکدیگر ممتاز میسازد . اصول عقاید امبروزو در تاریخ طبیعی انسان مبتنی بر اثبات نمونه جانی بالفطره است . امبروزو در چاپهای مختلفه کتاب خود دو توجیه از جانی بالفطره نموده است . طبق اولین توجیه او نمونه جانی بالفطره یکی از موارد عودت موروثی فرد بحالت نقص سابق خود (۱) میباشد این سیرقه فرائی در اثر بروز عوارضی است که نمیگذارد جنس انسانی راه تکامل را پیماید امبروزو و برای اثبات نظر خود مدعی است که بین جانی بالفطره و موجودات بدوی عصر حاضر و حیوانات و وحشیهها و بچه ها وجه مشابهت زیادی مشاهده میشود من جمله خالکوبی و تکلم بزبان او باش از مختصات و حشیان است که در جانی بالفطره هم وجود دارد . در نزد بچگان عادت بدروغ و میل بارتکاب قتل دیده میشود و همین عادت در جانی بالفطره نیز یافت میشود .

در دومین توجیه از جانی بالفطره امبروزو کوشش کرده آنرا با توجیه اول وفق دهد طبق توجیه دوم جانی بالفطره یکی از موارد «فساد و انحطاط ارثی» است که از فاخوشی و عیوب دیگر حاصل میشود .

اینک باید دید خصوصیات فیزیکی و تشریحی و وظائف الاعضائی و معرفت النفسی جانی بالفطره کدام است ؟

جانی بالفطره بواسطه بعضی علائم و آثار فیزیکی و تشریحی از سایر افراد ممتاز میگردد . آنطوریکه امبروزو مدعی است علائم زیر در او دیده میشود :

نگاه خشن و تند - تبسم بی شرمانه - قد کوتاه - پیشانی کوتاه - طاق ابرو پیش آمده - گونه نمایان - لب نازک - فك حجیم - زلف فراوان.

از لحاظ خصوصیات و وظائف الاعضائی در جانی بالفطره حساسیت فوق العاده قوه لامسه مشاهده میشود. عمل اعصاب محرك عروق او معیّب بوده و بهمین جهت چهره او هیچگاه سرخ نمیکردد.

رافائل کاروفالو در مورد صفات معرفت النفسی جانی بالفطره مطالعات زیاد کرده و معتقد بوده است که در او هیچ وجه حس عدالت و خوی نیکو کاری وجود ندارد. جانی بالفطره به عقیده لمبروز و با خصائصی که فوقاً ذکر شد نمونه اکثریت تبه کاران میباشد.

نتایجی که لمبروز و از مشاهدات و ملاحظات استخراج کرده خیلی اغراق آمیز میباشد زیرا روش او دایره بر مقایسه اشخاص تبه کار در محاسب و اشخاص پاك و نيك سرشت در مریضخانه ها و قراولخانه ها صحیح نبوده و نمیتوانست او را بشاهراه حقیقت برساند. در مریضخانه ها و قراولخانه ها ممکن است اشخاصی بالقوه تبه کار بوده و از حیث طینت آنان بی اطلاع باشند و برعکس بین زندانیان اشخاص مظلومی یافت شوند که در اثر اشتباهات قضائی دستخوش محکومیت قرار گرفته باشند.

امروز مبرهن شده که جانی بالفطره مورد نظر لمبروز و همان مجنون اخلاقی است که از قوای هوشی بی بهره نیست ولی فاقد قوه تمییز که انسان را بطرف خیر و سعادت هدایت میکند میباشد. چنین فردی که مریض بشمار می آید يك وجود استثنائی است به علاوه استعداد حتمی او در ارتکاب جرم مسلم نمیباشد.

۲- جانی مختل المشاعر - دسته دوم تبه کاران نزد مکتب تحقیقی جنایتکاران مختل المشاعر میباشد. اعمال این اشخاص در اثر مرض بلاهت و حوق و یا امراض دماغی دیگر انجام میگیرد بطوریکه سابقاً ذکر کردیم مکتب نشو کلاسیک این دسته را از لحاظ عدم توجه مسئولیت مشمول قانون جزا قرار نمیدهد برعکس مکتب تحقیقی چون اساس مجازات را دفاع جامعه میداند از مشمول قانون جزا بر آنها سر باز نمیزند.

۳- جانی اعتیادی - این دسته عبارتند از مجرمینی که پس از محکومیت از جهت

جرم ارتکابی مجدداً مرتکب جرم میشوند در این دسته خوی ارتکاب جرم فطری نبوده بلکه بسائقه عادت آنرا مرتکب میشوند .

گابریل تارد عالم علوم اجتماعی نقش مهمی را که «تبه کاران حرفه‌ای» در ارتکاب جرائم حائز هستند بنحو احسن نمایانده است .

در نظر مکتب تحقیقی جانی بالفطره و جانی مختل المشاعر و جانی اعتیادی برای جامعه سه‌مناک میباشد .

۴- جانی شهوانی- این دسته از تبه کاران اساساً در دستکار و شرافتمند میباشد ولی بواسطه داشتن مزاج فوق‌العاده دموی و یا عصبی ممکن است بار تکاب جرائم مهمه از قبیل قتل و ضرب مبادرت ورزند .

۵- جانی اتفاقی- آخرین دسته، تبه کاران اتفاقی میباشد این دسته نیز عادتاً باید درستکار و امین باشند ولی بواسطه حوادث ناگوار کف نفس را از دست میدهند تسلیم زبونی و سست عنصری میشوند. معمولاً این دسته مرتکب تکرار جرم نمیشوند علمای حقوق جزای ایتالیا جانی اتفاقی را باسم « کریمی نالوئیده» (۱) نامیده‌اند .

سیاست جنائی مکتب تحقیقی - از طرف مکتب تحقیقی پیشنهاد شد که نسبت به هر يك از پنج دسته روبه خاصی اتخاذ شود آنریکوفری که در سال ۱۹۱۹ از طرف دولت ایتالیا بریاست کمیسیون تدوین قانون جدید جزا انتخاب شد پیشنهادات ذیل را نمود. نسبت به جنایتکاران مختل المشاعر پیشنهاد شد پس از صدور حکم و احراز تفصیر بازداشت شوند و بازداشت آنها را ممکنه باسم « مانیکوم » (۲) بعمل آید و بیشتر برای تداوی باشد تا تحمیل مجازات .

نسبت به تبه کاران اعتیادی و بالفطره برای اینکه از گزند آنها جامعه ایمن باشد پیشنهاد شد بنحوی طرد گردند. امبروزو ورافائل گاروفالو معتقد بودند که بیشتر اوقات طرد آنان از جامعه باید بوسیله مجازات اعدام تأمین گردد ولی آنریکو-فری که اساساً مخالف مجازات اعدام بود حبس مؤبد را تجویز کرد و ضمناً برای دستگاه اداری امور محابس این حق را قائل شد که در صورت اقتضا بتواند میزان

حبس مؤبد را تقلیل دهد .

نسبت به تبه کاران شهوانی و اتفاقی پیشنهاد گردید مجازاتی تحمیل شود که فقط جنبه ارعاب داشته باشد مانند تأدیه غرامت .

مکتب سوم ایتالیائی یا مکتب تحقیقی انتقادی (۱) - اصول عقاید مکتب تحقیقی فاقد اعتبار مطلق و مسلم در ایتالیا و فرانسه میباشد. در ایتالیا نهضت مربوط با اصول عقاید بشدت جریان دارد و از موقع ظهور مکتب تحقیقی چندین مکتب جدید در آنجا بوجود آمده است. مکتب اول در عین اینکه طرفدار اصول اساسی مکتب تحقیقی میباشد و در انتقاداتی که به مکتب نشو کلاسیک شده توافق نظر دارد معذک تمام نتایج حاصله از آنرا قبول ندارد؛ راجع به « نمونه تبه کار » که مورد بحث و فحص لبروزو قرار گرفته رویه احتیاط آمیز اختیار کرده است؛ با آنریکوفری در خصوص عدم تأثیر مجازات عقیده مند نیست و بر عکس مانند گاروفالو طبیعتاً طرفدار مجازات میباشد .

این مکتب جدید هم طرفدار ترتب معلول بر علت میباشد و مختاریت انسان و بالنتیجه مسؤولیت اخلاقی او را منکر است اسم مکتب جدید را مکتب تحقیقی انتقادی نامیده اند . زعمای آن عبارتند از آلیمنا (۲) صاحب کتاب « حکمت طبیعی انتقادی و حقوق جزا » (۳) و کارنواله (۴) مصنف کتاب « مکتب سوم حقوق جزای ایتالیا » (۵) .

انتقادات وارده به مکتب تحقیقی - نفی مختار بودن انسان که اساس مکتب تحقیقی میباشد در معرض انتقاد قرار گرفته است . از نقطه نظر علمی اثبات وجود مختاریت در شخص مجرم و یا عدم آن غیر ممکن است بنابراین مکتب تحقیقی دستخوش همان ملامتی است که نسبت به مکتب نشو کلاسیک وارد دانسته است زیرا مکتب جدید هم روی اصول تعبدی استوار گردیده است .

از لحاظ سیاست جنائی ، نفی مختاریت انسان ضربت مهملکی بر مجازات وارد

1- La troisième Ecole italienne ou Ecole du positivisme critique.

2- Alimena. 3- Naturalisme critique et Droit pénal .

4- Carnevale .

5- La troisième Ecole de Droit pénal en Italie .

میاورد زیرا اگر مختار بودن مجرم و مسئولیت اخلاقی او انکار شود خاصیت فضااحت- انگیر و تنگ آور مجازات از بین میرود و تجرید و جهه اخلاقی از مجازات سلب اثر از آن مینماید. علمای معاصر حقوق جنائی راجع به مختار بودن و یا نبودن مجرم رویه بیطرفانه اتخاذ کرده و قطع و فصل این مسئله فلسفی را به فلاسفه واگذار کرده اند. از این قبیل هستند گابریل تارد (۱) و سالیس (۲) و کوش (۳).

اتحادیه بین المللی و انجمن بین المللی حقوق جزا؛ مکتب فنی و قضائی؛
 مکتب اصالت عملی (۴) - تمایلی که امروز در حقوق جزا بر سایر تمایلات غلبه دارد این است که از معلومات حاصله از تجربه استفاده شود و بهترین سیاست جنائی سیاستی است که در مبارزه با مجرم بهترین نتیجه را بدهد. این نظرات از طرف اتحادیه بین المللی حقوق جزا، تراوش یافته است. اتحادیه مزبور در ۱۸۸۰ از طرف پرنس (۵) استاد بروکسل و فن لیزت (۶) استاد برلن و فن هامل (۷) هلندی تأسیس شد و از ۱۸۸۹ تا ۳۹۱۳ یکرشته کنگره های بین المللی ترتیب داد ولی پس از بدوود حیات مؤسسه آن و بروز نائره جنگ از هم پاشیده گردید اقدامات اتحادیه بین المللی حقوق جزا از آغاز ۱۹۲۱ از طرف انجمن بین المللی حقوق جزا که در پاریس تشکیل شد تعقیب گردید. رئیس آن یکی از رجال سیاسی معروف بلژیک بنام کارتن دووی آر (۸) میباشد همین نظرات از طرف استاد ساباتینی (۹) مؤسس مکتب فنی و قضائی، و استاد کن تی لیئانوسالدانا (۱۰) نماینده مکتب اصالت عملی القاء گردید.

نهیضت قانون گذاری در فرانسه - در فرانسه از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۵ قوانینی که مبنی بر تمایلات کلی مکتب تحقیقی بود بتصویب رسید. از این قبیل است قوانین مربوط به مجازات دائم و ولگاسیئن (۱۱) که در مستعمره اجرا میشود و تعلیق اجرای مجازات و تأسیس محکمه برای کودکان که آئین جزائی کودکان را از آئین جزائی اشخاص

1- Gabriel Tarde . 2- Saleilles .

3- Cuche .

4-L' union internationale et l'Association internationale de droit-pénal; l'Ecole technico - Juridique, l'Ecole pragmatique .

5- Prins .

6 - Von Lizet.

7- VonHamel .

8- Carton de Wiart.

9- Sabatini .

10- Quintiliano Saldana .

11- Relégation .

کبیر متمایز ساخت .

در دوران بین دو جنگ بین المللی یعنی از آغاز ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۹ توجه بامور اقتصادی و اجتماعی مطمح نظر مقنن قرار گرفت و منتهی بوضع مجازاتهای شدید در مورد قاچاقهای بازرگانی و مالی و ترك خانواده گردید . مجازاتهای سقط جنین و تعدد زوجات و بچه کشی بصورت جنحه در آمد تا با عدم شرکت هیئت منصفه، متخلفین، از اغماض هیئت مزبور مستفید نگردیده و بالنتیجه تعقیب و مجازات آنان مسلم باشد .

سیاست بشر دوستی و تجلیل و تعظیم وجود فردی که بعد آید باشد موجب وضع قوانین مربوط به کودکان و مجازات در مستعمره و تضمینات آزادی فردی گردید ولی بواسطه مخاطراتی که امنیت داخلی و خارجی کشور را تهدید می کرد تمایلات رحمانی و اغماض - انگیز بالا و اثر گون گردید و قوانین سختی برای حفاظت حکومت از خطرات خارجی و حمایت خانواده ها از اعمال منافی عفت و سقط جنین وضع گردید .

پس از جنگ بین المللی دوم حقوق جزا در فرانسه مراحل شدت خود را ادامه داد مداخلات دولت در امور اقتصادی ، جرائم جدیدی را از قبیل تقلبات در مورد چك و افزایش نامشروع قیمتها و تخلفات مربوط به تدارك آذوقه بوجود آورد . محاکم اختصاصی ، مجهز با اختیارات تقریباً مطلقه برای مبارزه با جرائم سیاسی و یا اجتماعی تأسیس گردید .

تشریحات بالا مبین این است که حقوق جزای جدیدی که استوار بر ضرورت و احتیاج میباشد باعرضه وجود گذارد .

تغییرات حاصله در میزان مجموع اعمال جنائی در فرانسه و سایر ممالک خارجی در آخر سده نوزدهم - اینك لازم است بر نتایج حاصله از نفوذ و تأثیر مکتب تحقیقی امان نظر نماییم .

از سال ۱۸۸۰ تا آغاز جنگ ۱۹۱۴ هیچ بهبودی در مجموع جرائم عمومی و جرائم ارتكابی اشخاص سابقه دار رخ نداد . فقط از ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۵ تخفیف جزئی در میزان جرائم ارتكابی حاصل شد و علت آن یکی وضع قانون مربوط به رولگاسیئن بود که خاک فرانسه را از لوث تبه کاران خیلی خطرناك رهایی بخشید و دیگر قانون تعلیق مجازات ؛ ولی پس از مدت کونساهی وضع دهشتناك سابق عود کرد .

در دوران جنگ بین‌المللی یعنی از آغاز ۱۹۱۴ تا پایان ۱۹۱۸ تعداد جرائم تکابی نمیتواند میزانی برای سنجش چگونگی اثر مکتب تحقیقی بدست بدهد زیرا آن ایام از کان آمار که مفتاح قضاوت را بدست میدهد بکلی تغییر کرد. از یک طرف قسمت خاک فرانسه از طرف آلمانها اشغال شد از طرف دیگر اشخاصی که از لحاظ من مستعد برای ارتکاب جرم بودند زیر پرچم فراخوانده شدند ولی پس از فرجام جنگ عوامل لازم برای فزونی جرائم تکابی موجود بود. اختلالات اجتماعی و ازهم گسیختگی خانواده‌ها و جابجا شدن جمعیتها و هجوم خارجیها که بیش از افراد ملت مرتکب جرم میشوند موجباتی بود که انسان را بطرف بدبینی سوق میداد ولی خوشبختانه این بدبینی بنحو کامل تحقق نیافت زیرا پس از خاتمه جنگ تعداد جرائم بمدت کوتاهی رو ن گردید. مثلاً تعداد متهمین بارتکاب قتل عمدی که در ۱۹۱۳-۳۳۳ نفر بود در ۱۹۲۰ به ۵۱۰ نفر افزایش یافت ولی در ۱۹۳۰ به ۲۹۱ نفر و در ۱۹۳۱ به ۲۵۲ نفر و در ۱۹۳۲ به ۳۲۱ نفر و در ۱۹۳۳ به ۲۵۹ نفر و در ۱۹۳۴ به ۲۷۲ نفر و در ۱۹۳۸ به ۱۹۴ هر دو در ۱۹۴۰ به ۱۲۱ نفر تغییر و یا تقلیل یافت. تغییرات حاصله در وضع اقتصادی و افزایش بدکارگران موجب تقلیل جرائم شد ولی بدبختانه توسعه اعتصاب بعداً نتیجه معکوس داد و بهمین جهت تعداد شکایات و اعلامات جرم رو بتزاید گذارد. و استثنائاً جرائم ارتکابی جوانان بواسطه حسن اثری که قانون جدید مربوط بتأسیس محکمه خاص برای خردسالان بخشید رو بکاهش گذارد.

در دوران ۱۹۴۰ الی ۱۹۴۵ اختلالاتی را که جنگ پدید آورد از قبیل هجوم سیل مهاجرین در شهرهای بزرگ و صعوبت تدارک آذوقه عواملی بود که موجب افزایش جرم گردید و این فزونی تباهی اخلاق و جرائم ارتکابی بیشتر مربوط به نسوان و جوانان بود که از پراکندگی و تفرقه خانوادگان در رنج و تعب بودند.

در ممالک دیگر کیفیات اقتصادی و اجتماعی مشابهی همین آثار را ببار آورد فقط در کشورهایی که قدرت حکومت بسط داشت از افزایش جرائم ارتکابی ممانعت حاصل آمد.

آمار قبل از جنگ دوم بین‌المللی کاهش مهمی را در بعضی از ممالک نشان میداد